

روایت زندگی

بیان واقعیت یا بازآفرینی آن



حمزه نوذری

جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

چرا تجربیات زندگی را مدام روایت می‌کنیم؟ زمانی که چیزی از زندگی را بیان می‌کنیم، به‌ویژه اموری که برای ما مهم هستند، موضوعاتی که در ذهن ما جا گرفته‌اند و از یاد نمی‌روند، مثل رخدادهایی لذت‌بخش یا نا‌راحت‌کننده، چه می‌خواهیم؟ گاهی با روایت قصه زندگی می‌خواهیم باری از روی دوش‌مان برداشته شود. احساس می‌کنیم مواجهه با یک امر اجتماعی آن‌چنان سنگین است که برای سبک شدن این بار باید آن را بیان و روایت کنیم. گویی با روایت چیزی‌ها در فضایی خفه‌کننده، هوایی تازه به ما می‌رسد. تجربیات و واقعیات اگر روایت نشوند، ما را خفه می‌کنند. ناتوانی در روایت آنها آن‌چنان بر دوش ما سنگین است که تاب و توان ما را می‌گیرد. ممکن است در بیان تجربیات و روایت زندگی برخی جنبه‌ها را برجسته کنیم و برخی چیزها را غیرمهم و حاشیه‌ای بدانیم اما روایت‌شان مفید است. چون به تسلی و آرامش ما کمک می‌کند. به عبارتی با بیان تجربیات، وضعیت عذاب‌آور تنش روانی را کاهش می‌دهیم. اما چرا با روایت‌کردن تجربیات زندگی، احساس راحتی و سبکی می‌کنیم؟ چون با روایت و بیان چیزها، آنها را معنادر و صورت‌بندی و تا حدی منسجم می‌کنیم. اگر تجربه به زبان نیابید، گماکان در ذهن پراکنده و نامنسجم و آشوبناک باقی می‌ماند. در جهان مدرن مسئله یافتن کسانی است که با دقت و علاقه، تجربیات ما را بشنوند و بدون قضاوت، همدلی کنند. با این کار آنها به ما در معنابخشی به تجربه و سبک شدن کمک می‌کنند. وقتی می‌گوییم تنها هستیم، یعنی کسی را برای شنیدن روایت و تجربه‌های‌مان و معنادار کردن جهان اجتماعی نداریم. اما گاهی بیان قصه زندگی برای این است که دیگران در مواجهه با واقعیت اجتماعی مشابه، از تجربیات ما بیاموزند. تجهیز شوند، دچار شوک نشوند و در مقابل رنج‌ها و شکست‌ها مقاوم شوند. اما دراین‌میان مسئله‌ای مهم وجود دارد و آن این است که آیا افراد با بیان تجربیات، واقعیت زیسته‌شان را شفاف و بدون دخالت و تصرف روایت می‌کنند. آیا انسان‌ها از طریق فرایندهای شناختی، جهان اجتماعی را مشاهده می‌کنند، با آن مواجه می‌شوند و دانش و تجربیات را انباشته می‌کنند و سپس آنها را به دیگران منتقل می‌کنند؟ آیا زبان به‌مثابه ابزاری است برای بیان و انتقال اطلاعات و دانش ما به دیگران؟ آیا وقتی فردی از تجربه زیسته سخن می‌گوید، به این معنی است که واقعیت را بیان می‌کند، یعنی زبان وسیله بیان است یا زبان دست‌اندرکار بازآفرینی و ساخت واقعیت و تجربه است، نه لزوماً انتقال آن؟ به نظر می‌رسد ذهنیت ما در طول زمان تغییر می‌کند؛ پس تجربیات زیسته هم با گذر زمان مجدد صورت‌بندی می‌شوند و معنای متفاوتی می‌یابند؟ تجربه زیسته و بیان آن امری تاریخی و فرهنگی است. به عبارتی، تجربه و فهم ما از زندگی، واقعیات و رخداده‌ها، بازتاب شفاف‌ای از جهان بیرون نیست، بلکه محصول برداشت‌های تاریخی و فرهنگی ما از جهان است. براساس رویکرد تحلیل گفتمان، زبان صرفاً بیان تجربیات نیست، بلکه درعین‌حال تجربیات و واقعیات روانی و ذهنی را می‌سازد. می‌توان گفت بیان و روایت تجربه از جهان اجتماعی از سوی افراد، معرف جهان بیرونی نیست، بلکه خلق جهان بیرونی براساس وضعیت فرهنگی و تاریخی افراد است. در این رویکرد، به قول یورگنس و فیلیپس در کتاب تحلیل گفتمان، زبان مجرایی نیست که واقعیت براساس تجربه زیسته بی‌هیچ دخل و تصرفی و به صورت شفاف از طریق آن انتقال یابد. ما سعی می‌کنیم به کمک کلمات در دسترس، تجربیات و نحوه مواجهه با رخداده‌ها را معنا کنیم و معنای به‌دست‌آمده به تولید تجربه کمک می‌کند، نه آنکه کلمات و بیان ما صرفاً توصیفی از تجربه پس از وقوع باشد. پس بیان و روایت (زبان) واقعیت زیسته ما را می‌سازد، اما اینکه گفته می‌شود تجربه زیسته واقعیته‌ی که ما روایت می‌کنیم، به نحو زبانی و گفتمانی ساخته می‌شود، به این معنا نیست که هنر و وجود چیزهای مادی و پدیده‌های اجتماعی باشیم، بلکه جنبه‌های مادی و فیزیکی از طریق زبان و روایت ما معنا می‌یابند. فردی که تجربیات واقعیته زیسته دیگران را می‌شنود، نه آنها را به معنای واقعیت و حقیقت مسلم فرض می‌کند، نه به‌عنوان روایت‌های غلط و خیالی که مردود هستند، بلکه می‌داند افراد با روایت قصه زندگی، به جهان اجتماعی‌شان معنا می‌بخشند و واقعیت را به شکل زبانی بازآفرینی می‌کنند. تحقیق و پژوهش بر مبنای تجربه زیسته افراد نه به معنی آشکارکردن واقعیت و حقیقت، بلکه به این معنی است که افراد چگونه با روایت‌کردن، جهان اجتماعی‌شان را معنا می‌کنند.

دوشنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۴
۲۹ شوال ۱۴۴۶
۲۸ آوریل ۲۰۲۵
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۰۹۵
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: دولت اقتصاددان و پوپولیست در سایه تهدیدهای ترامپ / انتخابات کانادا؛ آیا مارک کارنی کانادا را از بحران عبور می‌دهد؟ • معمار و توسعه‌گر؛ هم‌مسیر در خلق زیست شهری

تخفیف‌های شهرسازی تهران؛ عدالت یا فرصت برای رانت؟

تهران در بن بست تراکم



گزارش «شرق» از جزئیات فاجعه در بندرعباس در گشت‌وگو با مصدومان شاهدان عینی و مسئولان

راویان انفجار

با اعلام یک روز عزای عمومی، رئیس‌جمهور به هرمرزگان رفت و ستاد بحران را در بندرعباس تشکیل داد

یک قاب تجربه

نظارت‌ناپذیری و انحصار در رسانه ملی



جلیل‌سازگارنژاد

صداوسیما به‌ویژه برنامه زنده سیمای خانواده در شبکه یک روز سوم اردیبهشت‌ماه و توهین به ارزش‌های مذهبی اهل سنت است و تمسخر وزیر خارجه عربستان در شبکه‌ای دیگر. بدون‌تردید اگر دستگاه‌های ذی‌ربط و مسئول از صداوسیما گرفته تا قوه قضائیه و شورای نظارت به وظایف قانونی خود در آن تحقیق و تفحص عمل کرده و متخلفان را مجازات می‌کردند، شاید از بروز چنین اتفاقات ناگواری در صداوسیما پیشگیری می‌شد و مسیر تخلفات مسدود می‌شد یا کاهش می‌یافت. نگاهی گذرا به عملکرد فرهنگی و سیاسی صداوسیما در سه دهه گذشته نشان‌دهنده رویکرد آگاهانه و مدیریت‌شده‌ای در ساخت‌وساز و پخش برنامه‌ها، سریال‌ها و گفت‌وگوهایی است که با جهت‌گیری خاص از سوی گروهی اندک که رسانه ملی را در اختیار گرفته و در تصرف افکار و برنامه و سیاست‌های مخرب و وحدت‌سوز و غیرواقعی خود دارند، تولید و اجرا می‌شود. پس از پخش برنامه‌هایی مانند هویت در سال ۱۳۷۵ که تنش‌های فراوانی را به دنبال داشت و همچنین برنامه مخرب و ضدفرهنگی چراغ در حوالی همان سال‌ها که رئیس وقت سازمان در سال ۱۳۷۹ آن را مغایر با سیاست‌ها و خلاف جهت‌گیری صداوسیما دانست تا سریال‌های گاندو که برای تخریب دولت‌ها و

یادداشت

انفجار در بندر شهید رجایی و ضرورت هوشیاری



کیاس پورابویی

فارغ از اینکه در شرایط حاد کنونی، آرامش و حفظ انسجام داخلی برای وحدت ملی کشور باید در لایه‌لای پرچم سه‌رنگ کشور به اهتاز درآید و در زمانی که دیپلمات‌های سیاسی کشور در میدان مجادله تاریخی برای تأمین منافع ملی پنجه در پنجه، سخت مشغول چانه‌زنی و رویارویی با طرف مقابل هستند، بنابراین عقل سلیم حکم می‌کند با گُرک خود قافیه را نبایزم، اما این مسئله دلیل بر توجیه نمی‌شود که از مسائل بحرانی در داخل کشور به‌راحتی عبور کنیم. صحنه‌هایی که اکنون از جابه‌جای بندر سوخته شهید رجایی کشور در فضای مجازی، شبکه‌های خبری و انظار عمومی پخش می‌شود، شبیه انفجارهای مهیبی است که پس از یک جنگ یا شرایط غیرطبیعی فورس مازور به صورت ویرانگر اتفاق می‌افتد. این بندر قطب اقتصادی و صنعتی ایران است؛ بزرگ‌ترین بندر تجاری که نیمی از عملیات و بارگیری کالاهای اساسی در آن انجام می‌شود. سالانه بیش از ۸۸ میلیون تن کالا در این بندر تبادل می‌شود و هرچند پس از تحریم‌ها از جایگاه واقعی خود مقداری سقوط کرده است، اما همچنان جزء بنادر مهم جهان است که کشتی‌های اقیانوس‌پیما به‌راحتی در آن پهلو می‌گیرند. علاوه بر صدمات انسانی‌که بسیار عظیم و فاجعه‌بار است که دل ایران و ایرانی را داغدار کرده است، از طرف دیگر با تخریب ساختمان‌ها و تأسیسات زیربنایی و صنعتی ضربه‌ای اساسی به این بندر وارد شده است. آسیب‌شناسی چند موضوع لازم است که باید در ادراک و جستار ذهنی مسئولان و حکمرانان کشور مدنظر قرار گیرد و پلن فکری آنان را درگیر کند؛ چنین بندر استراتژیک و مهمی چرا باید به خاطر رعایت‌نشدن موارد ایمنی به‌راحتی در مدت کوتاهی این‌طور آسیب ببیند؟ اگر قرار بوده

روحانی:

تحریم برای عده‌ای کاسب نعمت است

برگزیده‌ها

کارشناسان چالش‌های انتقال آب دریای عمان به تهران را آسیب‌شناسی می‌کنند

بیراهه بحران آب

چگونه بدون حکمرانی داده هوش مصنوعی در کشور توسعه پیدا می‌کند؟

درمان ستاره‌دار

گفته می‌شود بسیاری از خانواده‌ها به دلیل هزینه‌های بالای توان‌بخشی، روند درمان را متوقف کرده‌اند

گفت‌وگوی «شرق» با پولادزنان ایران در آستانه اعزام به مسابقات قهرمانی ۲۰۲۵ جهان رکوردهای امیدبخش و مدال‌هایی که در دسترس است

نگاهی به حواشی اخیر برنامه سیمای خانواده

نقش تأثیرگذار رسانه ملی

غم بندر کشت ما را

شروه‌خوانی در کوچه و جشنواره همدردی هنرمندان و سینماگران عزاداری و همدلی ایران برای بندر

یادداشت

پروتکل‌های صداوسیما کجاست؟



احسان هوشمند

پخش برنامه حاوی توهین به یکی از صحابه پیامبر اسلام (ص) در شبکه یک صداوسیما موجب واکنش شمار زیادی از هم‌وطنان سنی‌مذهب، شخصیت‌های فرهنگی و علمی و سیاسی شد. این نخستین باری نیست که در صداوسیمای کشور شاهد وقوع چنین رویدادهای تحریک‌کننده‌ای در حوزه ادیان و مذاهب هستیم. جدای از بازتاب گسترده موضوع در شبکه‌های اجتماعی و فضای عمومی، انتقادات زیادی نیز به عملکرد دستگاه صداوسیمای رسمی کشور وارد شد. تمرکز پخش بزرگی از انتقادات هم اثرات مخرب ضد انسجامی و وحدت‌شکنانه چنین برنامه‌هایی است که می‌تواند به تحریک احساسات گروهی از هم‌وطن منجر شود. در این یادداشت ضمن تأکید بر پیامدهای مخرب پخش چنین برنامه‌هایی، از منظرری دیگر به چنین برنامه‌های فرقه‌گرایانه پرداخته می‌شود.

۱- در اینکه میان پیروان اهل سنت و اهل تشیع درباره رویدادهای صدر اسلام اختلاف نظر وجود دارد، تردیدی نیست. فرقه‌ها و مذاهب متنوع اسلامی هریک روایت خود را از رویدادهای صدر اسلام دارند و درباره صحابه پیامبر اسلام رویکردهای مختلفی بر مبنای مذاهب شکل گرفته است.

جناب آقای وحید بلالی
رئیس محترم بانک صادرات
شعبه ۲۶۰۵ تهران انسر

ضایعه درگذشت پدر گرامیتان را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض می‌کنیم. از خداوند متعال برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر آرزو مندیم.

محمدرضا جلالی و همکاران شما
در بانک صادرات تهران انسر